با سپ بلاتر، پس از تجدید ریاست وی در نهاد حاکم بر فوتبال جهان

یک دولت مستقل به نام فیفا

وصال روحانی

سپ بلاتر برای یک دوره ۴ ساله و بهتر بگوییم ۵ سال دیگر به ریاست فیفا انتخاب شده است. سومین بار متوالی است که اداره نهاد حاکم بر فوتبال جهان را در دست می گیرد و به این ترتیب حداقل تا سال ۲۰۱۱ بر جهان فوتبال حکم خواهد راند.

انتخاب مجدد بلاتر در اجلاس عمومی (کنگره) جدید فیفا در مقر این نهاد (شهر زوریخ سوئیس) صورت گرفت و تفاوت آن با دو مرتبه قبلی گزینش بلاتر این بود که در آن دفعات وی رقیابی برای این پست داشت و این بار بجز خود او هیچ کس دیگر برای این سمت کاندیدا نشده بود!

بلاتر که به این ترتیب رأی مثبت ۲۰۷ کشور عضو فیفا را برای ادامه ریاست اش گرفت در شروع تابستان گرم ۲۰۰۷ می گوید: «عده ای می گویند فتح یک انتخابات بدون رقیب مثل یک برد بدون شکوه و رونق است و من می گویم که خیر، این گونه بردها بیشتر برای من بارزش است. زیرا در آن هیچ مخالفتی را با خود نمی بینم و کاندیدایی هم نیست که ضد من حرف بزند! من از این پیروزی تازه و تمدید ریاستم احساس شادی عمیقی می کنم. از همه کشورها به خاطر حمایت شان از من تشکر می کنم و مسرور و متفخرم که مرا باز در بالاترین درجه و پله در این سازمان نشاندند.»

■ **ورزش «پولی»**

در ژوئن ۱۹۹۸ که بلاتر برای نخستین بار به این سمت انتخاب و جانشین ژائو هاوه لانژ پس از ۲۴ سال زمامداری مرد مونفره ای برزیلی شد، تبدیل به هشتمین رئیس در دوران حیات این نهادگشت. او در ۱۷ سال قبل از آن گزینش به عنوان دبیر کل فیفا فعالیت کرده و در نتیجه کاملاً با شرایط کاری و ویژگی های این سازمان آشنا بود و شخص هاوه لانژ هم بر انتخاب او پای می فشرد. با این که به گمان هاوه لانژ ارتقای دستیارش به سمت اصلی و برتر فیفا به معنای استمرار ساختار زمان کار وی و تمدید شرایط قبلی فیفا بود، اما در دوره بلاتر یعنی در ۹ سالی که از پست ریاست او می گذرد، فوتبال بسیار مالی تر و از زمان هاوه لانژ بسیار پولسازتر و به وسیله و پدیده ای اقتصادی تر بدل شده و وسعت تأثیر گذاری اش در این زمینه بسیار بیشتر از ایام کار هاوه لانژ است.

■ **۵ سال یک بار**

۴ سال پس از انتخاب نخست بلاتر، مجدداً در سال ۲۰۰۲ و برای دومین بار و یک دوره ۴ ساله دیگر به ریاست فیفا انتخاب شد. در سال ۲۰۰۳ فیفا تصمیم گرفت که انتخابات آتی نه ۴ سال بعد بلکه ۵ سال بعد (۲۰۰۷) صورت گیرد تا از این پس گزینش رئیس فیفا نه همزمان با برگزاری جام جهانی، بلکه یک سال بعد از آن صورت گیرد. به این سبب بود که گزینش جدید بلاتر به جای سال ۲۰۰۶، در آلمان، امسال و به واقع ۳ هفته پیش در زوریخ سوئیس صورت پذیرفت و اگر به جای ۲۰۱۲ در ۲۰۱۱، پایان می گیرد به این خاطر است که فیفا شروع سومین دوره ریاست بلاتر را نه ۲۰۰۷ بلکه ۲۰۰۶ می انگارد که به خاطر موردی که گفتیم، انتخابات آن یک سال دیرتر انجام پذیرفت.

■ **وقتی تیم کامل شد**

در هر حال بلاتر همیشه به شوخی و جدی گفته است که وقتی در سال ۱۹۷۵ به فیفا پیوست تبدیل به یازدهمین عضو کادر اصلی اجرایی آن نهاد شد و به تعبیر خودش، ترکیب تیم را کامل و ۱۱ نفره کرد. در سال ۱۹۸۱ که این سیاست پیشه سوئیسی به پست دبیر کلی ارتقا یافت، اعضای اصلی کادر اجرایی فیفا به ۲۰ تن افزایش یافته بودند و این سازمان به آرامی به سوی تعریض کاری و وسعت شغلی پیش می رفت.

امروز در اوایل تابستان ۲۰۰۷ و چند هفته پس از تمدید حاکمیت بلاتر اعضای کادر اصلی اجرایی فیفا به ۲۸۰ تن بالغ شده اند ومدتی است که فیفا به یک عمارت مدرن و بسیار شیک ۲۲۰میلیون دلاری و شیشه ای و بر فراز ارتفاعات شهر زوریخ منتقل شده و از آن نقطه می توان دیدگاهی متفاوت و عالی به این شهر داشت.

■ **دیکتاتور**

بلاتر اگر فوتبال را در قیاس با هاوه لانژ بسیار وسیع تر، سیاسی تر و اقتصادی تر ساخته، در عوض همانند او به دیکتاتوری و ریاست «یک طرفه و فاقد قوه عدالت» متهم شده است. فزون تر از ۵ سال پیش، وقتی انتخابات سئول برای تعیین سرنوشت بلاتر و تمدید ریاست یا برکناری او در پیش بود و سقوط اقتصادی شرکت ISL-Ismm بزرگترین شریک اقتصادی فیفا این ارگان را با وضع اقتصادی ناهنجاری مواجه کرده و بلاتر و همکارانش را بشدت زیر سئوال برده بود، او با حرکتی دیکتاتوری و تأسف آور مانع تحقیقاتی شد که چندین و چند فرد و سازمان در باره ساختار اقتصادی فیفا و کج روی های آن و چگونگی ارتباط آن با شرکت مذکور انجام می دادند و اجازه نداد هیچ نتیجه گیری روشنی در آن باره انجام شود و حکمی صادر گردد. امروز که وضع مالی فیفا ۱۸۰ درجه فرق دارد و بسیار بهتر است و ثروت فیفا را در برگرفته کمتر کسی به آن دوران فکر می کند، اما نخستین باور ناظران این است که بلاتر قصد لاپوشانی تخلفات مالی ای را داشته که در ارتباط فیفا با «ISL-Ismm» روی داده بود.

■ **معلوم نیست**

امروز هم هیچ کنترل از خارج بر انبوه سرمایه هایی که وارد چرخه های کاری فیفا می شود و تنها بلاتر و نزدیک ترین وابستگان او بر آن نظارت می کنند، وجود ندارد و معلوم نیست پول های اهداشده از ده ها شرکت طرف قرارداد فیفا به طور دقیق در کدام مجراها خرج می شود. با این حال چون فیفا به شکل های مختلف به کشورهای عضو کمک مالی می کند، این کشورها نیز صرافت زیادی برای سردرآوردن از چند و چون کار و مطلع شدن از چرخه های اقتصادی فیفا به خرج نمی دهند و تنها این نکته مشخص است که برخلاف سال های نخست وحتی میانی تشکیل فیفا، این نهاد در دوره بلاتر تبدیل به یک امپراتوری مالی و به قولی یک دولت و کشور مستقل شده است و برای خودش حکومت می کند و چنین حکم و منزلتی را در سلسله روابط بین الملل دارد.

■ **بازی روی کوه**

جدیدترین چالش فیفا که بلاتر مثل معمول طراح و مجری آن است و باز با صدور رأیی تقریباً یک طرفه شروع به اجرای آن کرده و نظرات مخالف را نیز به هیچ انگاشته، مربوط به منمونیت برگزاری مسابقات زیر نظارت این نهاد در ارتفاع بیشتر از ۲ هزار و ۵۰۰ متر از سطح دریا و به رویائی بر روی کوه هاست. هرچند موافقان با این حکم در سطح جهان بسیارند، اما مخالف نیز کم نداشته است. مخالفانی که معتقدند فیفا باید به جای صدور یکطرفه این حکم در ۵ هفته پیش، باید آن را بیشتر در معرض افکار عمومی و به بوته نقد و بررسی می نهاد.

■ **تلفن باران**

تیم های بسیاری در دهه های اخیر از بازی کردن در ارتفاع زیاد از سطح دریا ضرر دیده اند و به عنوان مثال کسانی که برای بازی با تیم ملی بولیوی به لاپاز شهری ۳ هزار و ۵۰۰ متر مرتفع تر از سطح دریا سفر کرده اند، آن جا دغان شده و حتی کنترل ساده توپ را در جایی که قوه جاذبه زمین کمتر و توپ سبک تر از معمول است دشوارتر یافته اند، اما کشورهایی هم که از این بابت لطمه دیده اند و دیگر نمی توانند مجری و میزبان مسابقه ها در ارتفاع فوق باشند در هفته های اخیر مقر فیفا را تلفن باران کرده اند و بلاتر هیچ اهمیتی به آنها نداده است و برخی ناظران می گویند او شخصاً و پس از بررسی جنبه های مختلف قضیه، چنین تصمیمی را گرفته و دستور اجرای آن را داده است. با دستور جدید فیفا نه تنها بولیوی بلکه بخش هایی قابل توجه در کشورهای مکزیک، شیلی، کلمبیا، پرو و اکوادور که ارتفاع شان از سطح دریا چشمگیر است، دیگر نمی توانند میزبان مسابقه های رسمی باشند و معلوم نیست که چطور می خواهند مسابقه های طراحی شده برای این منطقه را برای جاهایی دیگر از نو سازماندهی کنند. کار به جایی کشید که چند هفته پیش تظاهراتی در برخی از این کشورها در مخالفت با تصمیم فیفا صورت گرفت، اما بلاتر مثل معمول هیچ اعتنایی نکرد.

■ **مسائل «گروه ۱۴»**

چالش دیگر بلاتر در دو سال اخیر در رویارویی آشکار با سازمان موسوم به «گروه ۱۴» صورت پذیرفته است. این نهاد در تضاد با عنوانش، نه پذیرای ۱۴ باشگاه برتر اروپا بلکه ۱۸ باشگاه برجسته ای قاره است و در ۳۰۲ سال اخیر به کرات از فیفا و یوفا خواسته اند که حجم حضور ملی پوشان آنان را در دیدارهای ملی کاهش دهند و اگر نمی دهند غرامت و خسارت آن را به این باشگاه ها بپردازند، بدان صورت که این باشگاه ها مجبور نباشند حتی زمانی که بازیکنان زده شان دور از باشگاه در اردوی ملی بسر می برند، دستمزد آنها را بپردازند و در بسیاری از موارد مجبور به تأمین مخارج درمان مصدومیت هایی باشند که به خاطر حضور آنان در رقابت ها و دیدارهای ملی است.

وقتی بلاتر و رئیس پیشین یوفا (لنارت یوهان سون سوئدی) به این درخواست ها وقعی نگذاشتند، این سازمان تهدید به شکایت به مراجع قضایی غیرورزشی کرد و بلاتر به نوبه خود در مصاحبه هایی به صراحت به باشگاه های بزرگ تاخت و آنها را مسئول تبعیض در فوتبال جهان و حاکمیت ظالمانه «را» ها بر ندارها دانست. بلاتر گفت: «این باشگاه های مغرور و عوام فریب به لطف سرمایه های کلان شان بیش از ۲۵ بازیکن برجسته جهانی را خریده و روی هم انباشته کرده اند و چون امکان و فرصت به کارگیری همه آنها را ندارند و هر تیم فقط از ۱۱ نفر شکل می گیرد، بسیاری از این نفرات هر فصل زمان زیادی را روی نیمکت ذخیره ها می گذرانند. بنابراین نه باشگاه شان از توان ارزشمند آنها سود می جوید و نه اجازه چنین امری را به دیگر باشگاه ها می دهد و فوتبال دنیا از دیدن استعدادهای آنها و غنی تر شدن بازمی ماند. آنها نه خودشان از این مهره های ارزشمند استفاده می کنند و نه می گذارند که دیگران چنین کنند و این اسباب تأسف است.»

■ **دعوت به صلح**

بلاتر در شروع دوره سوم ریاست اش سعی داشته با خرف هایی ملایم تر از حجم تقابل فوق بکاهد و «گروه ۱۴» را به راه آورد و به زیرمجموعه سازمان خود و حافظ منافع فیفا بدل کند و به گونه ای اعلام صلح کند، اما بعید است موفق شود، زیرا اکثریت در این نهاد با کسانی است که معتقدند رویکردهای فیفا فقط برای سودجویی های شخصی و منافع خودش است و بلاتر به جای فوتبال، ابتدا به همان رویکردها می اندیشد. با این حال این رئیس دیرپای سوئیسی در مصاحبه ای جدید با نشریات کشورش گفته است: «حرف من خطاب به گروه ۱۴ و دیگر سازمان ها و افراد معترض و مخالف این است که همگی به خانواده فیفا برگردند. به هر حال راه حلی را پیدا خواهیم کرد تا منافع هر دو سو در آن لحاظ شود. آنها مطمئن باشند که من قصد سرکوب آنها را ندارم و نمی خواهم بشدت محدودشان کنم و فقط حرف و خواسته ام این است که بازوهای اجرایی خود ما باشند و نه این که سد راه ما باشند و ما یک حائل برای آنها.»

تهدیدهای مکرر «گروه ۱۴» درمورد به راه اندازی مسابقاتی به موازات جام قهرمانان باشگاه های اروپا و اطلاق واژه های سوپر لیگ قهرمانان قاره به آن، همچنان هدفی سخت و ایده آلی دور از دسترس نشان می دهد و در نتیجه کنار آمدن دو طرف مناقشه اصلح ترین کار جلوه می کند. با این حال اقدامات و حرف های سران «گروه ۱۴» نشان می دهد که آنها زیرمجموعه فیفا نخواهند شد و همچنان مقابلش خواهند ایستاد.

■ **مشکلات بعدی**

این مسأله و همچنین ضعف های نسبی آفریقای جنوبی در فاصله تنها ۳ سال تا میزبانی جام جهانی آتی و احتمال انتقال میزبانی این مسابقات به کشوری دیگر ـ حتی بسیار کم ـ مهم ترین مشکلات و چالش هایی است که بلاتر در دوره جدید زمامداری اش با آنها مواجه است و بسیار بعید است که مشکلات عمده اضافه ای به این مجموعه اضافه نشود.

منبع: herald tribune

> ■ من قصد سرکوب «گروه ۱۴» را ندارم. برعکس می خواهم آنها جزو ما شوند
> ■ سیاست پیشه سوئیسی: از این که بی رقیب انتخاب شدم، ناراحت نیستم و برعکس خوشحالم که هیچ مخالفتی را با خود ندیدم

ستاره صربستانی از خانواده ای هندبالی می آید

میلیکوویچ بازیکنی با ژن والیبالی

مهستی وهاب زاده

در زادگاهش فوتبال و هندبال پرطرفدارترین ورزش ها بود، اما ایوان میلیکوویچ تصمیم گرفت والیبال را به عنوان یک دریافت کننده آغاز کند. اما شرایط او را به سمت آبشارزنی (اسپکری) قهار سوق داد. به غیر از مدال طلای قهرمانی جهان، او عناوین بسیار مهمی را کسب کرده است. ایوان هنگامی که تنها یک پسربچه محصل بود به یکی از معروف ترین باشگاه های والیبال یوگسلاوی برده شد و خیلی زود توجه بزرگان این رشته را به خود جلب کرد.

با این که در زادگاهش شهر «نیش» والیبال چندان مورد توجه قرار نمی گرفت، اما او در قدم هایش استوار بود. حتی به اصرار والدینش که هر دو ورزشکار بودند توجهی نکرد و از کنار هندبال به سادگی گذشت. این پسر لاغراندام، آرام و مهربان خیلی زود عضو یکی از باشگاه های معتبر والیبال شد و پس از آن نیز در تیم شهر کلاریو، جایی که بسیاری از بزرگان والیبال آموزش دیده بودند، شروع به بازی کرد.

چالش دیگری که برای وی به وجود آمد، تغییر پست این بازیکن از دریافت کننده به قطر پاسور بود که خیلی اتفاقی رخ داد. به گفته خود ایوان مسبب اصلی این ماجرا «زوران ترزیک» سرمربی کنونی تیم ملی زنان صربستان است که در آخرین دوره رقابت های قهرمانی جهان در ژاپن به سر می برد.

در تورنمنت سال ۱۹۹۷ بود که تیم شهر بلگراد با کمبود اسپکر پشت خط زن مواجه شده بود و ترزیک، سرمربی وقت تصمیمی عجیب گرفت که نتیجه ای غیرقابل تصور داشت. در این لحظه بود که میلیکوویچ به حضور در پست خود به عنوان دریافت کننده خاتمه داد و به عنوان یک بازیکن حرفه ای برای کسب امتیازهای نهایی به عنوان «اسپکر» در رقابت های قهرمانی جهان شروع به بازی کرد. او ۱۹ ساله بود که شانس بازی با یک پاسور به نام دیوریچ را پیدا کرد. زوران گلیچ، سرمربی سابق صربستان (سرمربی کنونی والیبال ایران) درباره این بازیکن می گوید: «ایوان یک والیبالیست بسیار با استعداد است که اگر بازی نکند، خرد می شود.»

بدین ترتیب بود که نام ایوان همتای دیگر بازیکنان صاحب نام تیم برنده مدال برنز رقابت های قهرمانی اروپا بر سر زبان ها افتاد. جالب این که پایه ریزی دوران طلایی والیبال صربستان (یوگسلاوی سابق) نیز از همین جا آغاز شد.

رؤیای «میلیکوویچ هم دیری نپاید که به حقیقت پیوست. وی به همراه دیگر ستاره های صربستان در المپیک ۲۰۰۰ سیدنی مدال طلا را به گردن آویخت. سال بعد نیز قهرمانی اروپا نصیب این تیم شد. ایوان در گفته هایش همواره تأکید می کند که همه موفقیت هایش را مدیون زوران گلیچ است. او البته کمک های بوگدان استرنوویچ را فراموش نمی کند. میلیکوویچ می گوید که از گریچ، کوواک، تاناسکوویچ هم یاری جسته تا به این مرحله از پیشرفت رسیده است.

البته در زندگی هر فردی همیشه همه چیزها بر وفق مراد نیست و ایوان نیز از این قاعده مستثنی نبود. در المپیک آتن که در سال ۲۰۰۴ برگزار شد او به خاطر بیماری نتوانست همه قدرت و توانایی اش را به نمایش بگذارد و با این که تیم تلاش فوق تصوری از خود نشان داد، اما نتوانست از مدال طلا و عنوان قهرمانی خود در دوره پیشین دفاع کند و مقام قهرمانی را واگذار کرد.

خوشبختانه این شکست موجب درهم شکستن و ناامیدی ایوان نشد و پس از آن با قدرت هرچه تمام تر توانست ۴ مرتبه عنوان بهترین بازیکن لیگ سری A ایتالیا را به خود اختصاص دهد. او از سال ۲۰۰۰ در قدرتمندترین لیگ باشگاهی جهان یعنی لیگ ایتالیا بازی می کند و در این مدت با ارائه بازی های فوق العاده و کسب مقام های بسیار به این لیگ وفادار مانده است.

با آنکه میلیکوویچ از سن بالایی برخوردار نیست، اما همواره در مرکز توجه قرار داشته است. او دارای شخصیت اجتماعی بسیار خوب و موجهی بوده و هیچ گونه رسوایی نداشته است. میلیکوویچ عقیده دارد پس از تحمل فشارهای بسیار زیادی که در لیگ به بازیکنان وارد شده، آنها برای کسب آمادگی بیشتر برای حضور در لیگ جهانی نیاز به استراحت داشتند و به دنبال درخواست همین بازیکن بود که فدراسیون صربستان برای بهبود کارایی بازیکنان کلیدی و نهایتاً موفقیت تیم، به ستاره های اصلی مدتی استراحت بدهند.

ایوان با ۲۰۶ سانتیمتر قد از شرایط فیزیکی و تکنیکی بسیار خوبی برخوردار است. کمتر بازیکنی توان مقاومت در برابر ضربات او را دارد. خودش می گوید: «وقتی بازیکنی ضربه مرا دفاع می کند، به خودم می گویم این اشتباه از من نبوده بلکه توانایی طرف مقابل من بوده است. هنگامی که بازی طبق برنامه پیش بینی شده جلو نرود، سعی می کنم فکرم را متمرکز ضربات و نوع بازی خودم کنم. همواره «نبال نقاط ضعف بازیکنان رقیب می گردم و به نسبت آن روش بازی خودم را تغییر می دهم.»

این بازیکن به لطف قدرت فکری و روحی بالایی که دارد موجب روی دادن صحنه های اعجاب انگیز زیادی می شود. مثل لیگ جهانی سال ۲۰۰۵ که زیباترین بازی هایش را ارائه داد. میلیکوویچ یک بازیکن بالفطره است. او یک بازیکن به دنیا آمده و دستاوردهایش او را به یک شخصیت بی نظیر در جهان والیبال تبدیل کرده است.

منبع: Fivb

کوبی برایانت و درخواست جدایی از لیکرز

فرار از لس آنجلس

کوبی برایانت همچنان به فشار خود به سران لس آنجلس لیکرز ادامه می دهد تا با جدایی وی از این تیم موافقت کنند و او بتواند در فصل بعدی لیگ حرفه ای بسکتبال آمریکا (N.B.A) در تیمی دیگر به میدان آید. این مدیران تا به حال نسبت به درخواست برایانت روی خوش نشان نداده اند و کار به جایی کشیده است که حتی ارائه و پخش یک فیلم کوتاه که در آن برایانت در مورد میچ کوچاک مدیر کل لیکرز ویکی از هم تیم های جوانش اندرو باینام بدگویی می کند، نیز تغییری در ماجرا ایجاد نکرده است.

جان بلک سخنگوی لیکرز می گوید او و همکارانش حتی قبل از این که برایانت در روز ۱۰ خرداد برای نخستین بار درخواست انتقال بدهد، از وجود و محتویات این فیلم مطلع بودند و می دانستند که قضیه آن از چه قرار است. بلک می افزاید: «این فیلم کوچک ترین تغییری را در موضع ما نسبت به قضیه برایانت ایجاد نمی کند و خواست ما همچنان حفظ و ساختن تیم فصل آینده مان دور ادور او و بر مبنای ادامه حضور وی در این تیم است. ما هیچ برنامه و نقشه ای برای به فروش رساندن او نداریم. شماری از اطرافیان کوبی و یا افراد مرتبط با ماجرا و خواستاران وی در هفته های اخیر چند بار با ما تماس گرفته و گفته اند درصدد انتقال وی هستند و خواسته اند که روی این قضیه صحبت کنیم و ما همیشه به آنها گفته ایم که هیچ دلیلی را برای صحبت درباره این قضیه نمی یابیم. «حرف های بلک و موضع گیری او در قبال مسأله فوق، دلایلی روشن دارد و بارزترین سبب آن توفیق چشمگیر برایانت در لیکرز و تبدیل شدن او به مرد نخست این تیم در ۳ سال گذشته و شاخص بودن وی در این تیم، ظرف ۸، ۹ سال اخیر است. همچنین وی در هر ۳ سال اخیر با این که به نوبه خود در جدول تیمی پیکارها هیچ کار عمده ای را صورت نداده، به مقام آقای گلی لیگ رسیده است. کوبی با همراه زوج معروف سابقش شکیل اونیل (شک) لیکرز را در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ در ۳ نوبت متوالی قهرمان لیگ کرد و در فصل ۲۰۰۴ به عنوان نایب قهرمانی رساند. اما با رفتن «شک» به میامی هیت از تابستان ۲۰۰۴ و تنها شدن برایانت در ترکیب لیکرز، روزهای خوش نیز رخت بربست و لیکرز پس از آن هرگز یک مدعی نبوده است. در فصل ۲۰۰۵-۲۰۰۴ که نیل جکسون مربی مشهور سال های اخیر لیکرز به مرخصی یک ساله ای رفته بود، این تیم برای نخستین بار در یک مدت ۱۱ ساله حتی به مرحله پلی اف نیز راه نیافت و در ۲ سال بعدی که به این امر نایل آمد، در همان مرحله نخست پلی اف حذف شد.

■ **آخرین نشانه های قدرت**

در چنین شرایطی از دست دادن برایانت و فرار او از لس آنجلس به معنای از بین رفتن آخرین نشانه های قدرت در این تیم خواهد بود و بدیهی است که سران لیکرز با آن مخالفت ورزند. کوچاک حتی حاضر نیست در مواجهه با خبرنگاران در لس آنجلس راجع به این مسأله صحبت کند. او تنها گفته است: «مایل نیستم راجع به این مسأله چیزی اضافه بر گذشته بگویم و هر چه در این باره لازم به گفتن بوده، پیش تر گفته شده است.» جالب تر از همه اظهارات تهیه کنندگان فیلم کوتاهی بوده که در آن برایانت در حال بدگویی از مدیران لیکرز است. آنها می گویند در حال صحبت کردن با برایانت بوده اند که او شروع به بدگویی از کوچاک و یکی دو یار خود در تیم لیکرز کرده و ناگهان به این فکر افتاده اند که از روی آن فیلمبرداری کنند و فیلم موردبحث محصول همان روند است. هرچند از ۲۴ ثانیه فراتر نمی رود. در ظاهر برایانت نمی دانسته است که آنها از روی کارها و حرف های وی در آن لحظات فیلمبرداری می کرده اند و گمانش این بوده که به برداشتن چند عکس ساده از وی اکتفا خواهند کرد.

یک محور بحث در این فیلم و ظاهراً در افکار کوبی، جایگاه اندرو باینام ۱۹ ساله در لیکرز است که مورد توافق و رضایت او نیست. باینام یک بسکتبالیست ۲/۲۰ متری است که در سال ۲۰۰۵، در بارگیری های پیش از آغاز فصل جذب لیکرز شد و زمانی که در فوریه (بهمن) گذشته فرصتی پیش آمد که باشگاه او را با جیسن کید یکی از دو گلزن اصلی تیم نیوجرسی نتز معاوضه کند، از این کار سر باز زد. در فیلم موردبحث کوبی خطاب به شنونده ها می گوید: «واقعاً مسخره است. فرصتی بهتر از این برای راحت شدن از شر باینام؟ خیلی حیف شد. هرچه زودتر برود بهتر است.»

همان طور که پیشتر آمد، در این فیلم برایانت از مسائل مدیریتی لیکرز و بویژه شخص کوچاک بشدت انتقاد می کند و می گوید که هیأت مدیره این باشگاه دچار آشفتگی کامل است و هیچ جور نمی توان با آنها کار کرد. تهیه کنندگان فیلم درخواست یکی دو تن از هواداران لیکرز درباره فروش فیلم به آنها را رد کرده و ترجیح داده اند که آن را برای خود حفظ کنند. قرار است هرنسخه این فیلم به قیمت ۲ دلار به بازار عرضه شود و در خواست های اینترنتی از این طریق جمع آوری و به آنها رسیدگی گردد.

در حالی که تهیه کنندگان این فیلم به فکر کاسبی و سودجویی مفصلی از طریق فوق هستند، جری باس مالک لیکرز به مطبوعات آمریکا و اروپا گفته است: «هدف ما طی کردن هر راهی است که منجر به حفظ برایانت در ترکیب تیم برای فصل آینده شود.»

او افزوده است: «برایانت تکیه گاه و نفر اصلی در تیم ماست و هیچ تیمی چنین مهره ای را از دست نمی دهد. او مختار است که در باره رفتنش حرف بزند و ما هم آزادیم که درخواست او را رد کنیم!»

■ **نقش مهم فیل جکسون**

یک عامل سرنوشت ساز در این میان فیل جکسون است. مربی نامدار لیکرز که فقط یکی از دو مردی است که توانسته است عنوان قهرمانی «N.B.A» را در ۹ نوبت (۶ بار با شیکاگو بولز و ۳ مرتبه با لس آنجلس لیکرز) تصاحب کند. در صحبت با برایانت او را تا حدی نسبت به ماندن در لس آنجلس متقاعد کرده اما این مهاجم فنی هربار اندک مدتی پس از گفت وگو با این مربی، تغییر عقیده داده و مجدد خواستار رفتن شده است.

تأثیر گذاری اظهارات مربی و ارادت نسبی برایانت به جکسون در حالی در ماجرای فوق محسوس بوده که این دو ۳، ۴ سال پیش به شدیدترین شکل رودرروی یکدیگر ایستاده و با هم ستیز داشتند و حتی جکسون از کوچاک و باس رسماً خواسته بود که وی را بفروشند.

در آن زمان (سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴) جکسون برایانت را یک جوان پرافاده و خارج از محاسبات تیمی خوانده و گفته بود وی بیش از حد فردگرا و پرتوقع است و هیچ جور نمی توان با وی کنار آمد. اما جکسون در اوایل تابستان ۲۰۰۷ در موضع گیری و حرف هایی متفاوت درباره شاگرد ناآرام خود می گوید: «کوبی تصمیمی گرفته که برخاسته از احساس و تفکرات او و نتیجه نگاه او به مسائل موجود در لیکرز است. او دلایلی برای کارهای خود دارد و من نمی خواهم آنها را یک سویه و یا قاطعیت رد کنم. من تنها این را می توانم تأکید کنم که پس از حل مشکلات او فصل بعد هم بازیکن ما خواهد بود. این احساس و حتی یقینی است که من در این ارتباط دارم. بله، او را باز کنار ما خواهید دید.»

منبع: Los Angeles Times